

بسم الله الرحمن الرحيم

قرآن پایه خدا شناسی توحیدی

قبل از هر چیز باید گفت که : هر فکر و مکتب و خطی با تکیه بر اصول اولیه آن ارائه و تبلیغ میشود ، و روش شناخت هر چیزی باید از عمق و ذات آن چیز مایه بگیرد . نمونه عالی این روش را قرآن مبین ارائه داده است ، و در آن ، اسلام و خدای اسلام بر پایه آیات وحی به مردم معرفی و اثبات شده است ، آیاتی که الحق استقلال جزو بدیهیات و پایه های آن می باشد . و ظهور امة اسلامی و خلافت اسلامی و توحید اسلامی و علوم اسلامی و قبله اسلامی و ... مصداقهای عملی این استقلال است . بدین صورت چیزی که روی آن اصرار می ورزیم اینست که اسلام شناسی و خدا شناسی توحیدی ، متکی به قرآن و مأخوذ از آیات آنست . و خارج از قرآن و بدون توجه به آیات قرآن ، نه اسلامی وجود دارد ، و نه خدایی جز اوهام و خیالات اثبات میشود . همچنین بنا بر اینکه روش قرآن و رسول سر مشق مسلمین و داعیان اسلامی است ، هر دعوتگر مسلمانی ، بر مبنای آیات قرآن ، وجود الله رب العالمین را به غیر مسلمین و کفار و مشرکین معرفی و اثبات میکند . و اما : اگر کسی بگوید که چگونه میتوان از آیات قرآن ، جهت اثبات وجود الله ، برای غیر مسلمین استفاده کرد؟! ما میگوییم که اصلاً اثبات وجود الله برای مسلمین بی معناست! ، چون مسلم کسی است که حد اقل مشکلی در مورد وجود الله نداشته باشد . و اصلاً اکثر تلاش قرآن ، کما اینکه از صدها آیه آن بر میآید ، اِقناع غیر مسلمین بوجود « خدای واحد » و « وحی بودن قرآن » و « اثبات روز قیامت » است ، و در صورت عدم کار آمدی و مؤثر بودن قرآن در میدان خدا شناسی و اثبات وجود الله به غیر مسلمین و شناساندن صفات الله به آنها ، دیگر قرآن چه چیزی میتواند باشد؟! ، قرآنی که نه توان اثبات وجود الله را برای غیر مسلمین دارد! و نه مسلمین نیازی به اثبات وجود الله دارند! (و اگر بر مبنای چنین نظر وارونه ای به مسلمانان فعلی نظر کنیم اینطور به ذهن متبادر میشود که پس مسلمانان فعلی هم قبل از مسلمان شدن ، از طریق غیر از

قرآن به وجود الله پی برده اند!! ، و شاید هم به همین خاطر است که وضعشان ماشاء الله اینقدر جمع و جور است!!

بتأکید این تصور که چگونه غیرمسلمین، که بقرآن ایمان ندارند ، تسلیم آیات قرآن میشوند ، ناشی از تصور عامیانه از قرآن مبین و نیز تأثیر پذیری از کسانی است که نمیخواهند ایمان بیاورند و به قوانین توحیدی پایبند باشند . اما باید اطمینان داشت که : آنهاييکه با تکیه بر آیات قرآن هدایت و مسلمان نمیشوند مسخ شده‌اند و برای خداپرستی توحیدی تسلیم هیچ چیزی بعد از قرآن نخواهند شد ، نه اینکه بخواهند تسلیم خدایی شوند که بر پایه غیر از قرآن اثبات شده است! ، و این مسئله در دوره نبوت هم تجربه شده ، و کفاری که اهل عناد و عداوت بودند ، از رسول معجزه های عجیب و غریبی درخواست میکردند ، و مثلاً میگفتند اگر شما رسول هستید؛ چرا مثل ما میخورید و مینوشید؟! اگر رسول هستید؛ فلان کوه را به طلا تبدیل کنید؟! اگر رسول هستید؛ آسمان را پایین بیاورید؟! ، اما قرآن به محمد ص می آموزد که تحت تأثیر این معاندین قرار نگیرید ، زیرا اگر همه این کارها را هم انجام دهید ، باز مسلمان نمی شوند . چون مشکل آنها نه عدم اقناع و یقین ، بل عدم خواست و عناد ورزی میباشد . اینست که اگر کسی از طریق قرآن هدایت نشود او کافر قسی القلبی است که امکان مسلمان شدن، بدلیل عداوت و منافع نامشروع ، از او سلب شده است، و بعد از قرآن و عملکرد قرآنی، چیزی نمیتواند او را مسلمان کند ، و قرآن منزل در همین رابطه این چنین اعلام میدارد: **ان الذين كفروا سواء عليهم ءانذرتهم ام لم تنذرهم لا يؤمنون (بقره : ۶)** : « **بتأکید کسانی که کافر هستند و در حالت کفر بسر می برند ، بیدارسازی و عدم بیدارسازی آنها یکسان است (و به علت موضع خصمانه) ایمان نمیآورند** . » . بعبارت دیگر ، کافران کسانی اند که بیدار شدنی نیستند و تلاش برای هدایت آنها بی ثمر است .»

نکته اساسی دیگری که ابا نباید از آن غافل ماند اینست که اگر فرضا خدایی هم از طریق غیر از قرآن اثبات شود، هیچ چیزی تغییر پیدا نخواهد کرد و اثری برای حیات بشر و سرنوشت بشر در پی نخواهد داشت و بشریت از بلا تکلیفی نجات پیدا نخواهد کرد . همچنین در این خداشناسی سرگردان ، مانند خدا شناسی فلاسفه ، هیچ پیوندی بین نبوت توحیدی اسلام و خدای اثبات شده بر قرار نخواهد شد ، و در رابطه با روز قیامت نیز به چیزی نخواهیم رسید و آنها هم بحال خود باقی خواهد

ماند . و در این میدان حد اکثر به خدایی مثل خدای بیخیر و بی محبت افلاطون! میرسیم ، خدایی که جهان و بشریت را خلق کرده ، اما نسبت به هدایت و وظایف و سرنوشت بشر کلاً بی تفاوت میباشد . بنابراین اگر چنین خدایی اثبات هم بشود چیزی تغییر نمیکند و فایده ای نیز برای بشریت در بر نخواهد داشت . و اصلاً این چه خدایی است که بجای ارسال رسولان و حضور در کل تاریخ بشریت ، خود را از انظار پنهان کرده باشد و در آسمانها منزوی شده باشد و بعد هم بشر بی چاره مجبور باشد او را کشف نماید؟؟!!!!

بله ، خداشناسی توحیدی ناشی از خداشناسی قرآنی و مأخوذ از آیات وحی شده است ، و قرآن محفوظ ، اصل خداشناسی توحیدی را تشکیل میدهد . اینست که از دیدگاه توحیدی اسلام ، خدایی غیر از **خدای قرآن** و خدایی که از طریق غیر از **قرآن** اثبات شده باشد ، **خدای اوهام و خیالات** و **خدای فاقد شریعت و برنامه** و خدایی است که **چیزی از او دریافت نمیشود** . و این تنها خدای قرآن و نبوت توحیدی است که هم **خالق واقعی** و هم **صاحب قانون** و هم **خدای دنیا و آخرت** است . آری؛ رب الناس (خالق مردم) و ملک الناس (حاکم مردم) و اله الناس (مطاع مردم) میباشد ، و هیچگاه از مخلوقات خود غافل نیست ، و خصوصاً در مورد خلیفه و جانشین خود در زمین یعنی انسان لطف و محبت ویژه ای دارد و از طریق پیامبرانش همیشه او را هدایت و راهنمایی کرده است . و کسانی که با قرآن آشنا بوده و دسترسی مستقیمی به مطالعه و فهم آن دارند میدانند که قرآن ، از **طُرُق مختلف** ، الله رب العالمین را می شناساند و وجود او را به بنی آدم که همه آنها بالقوة خلیفة الله هستند اثبات می کند . و مهمترین این طُرُق قرآنی از قرار ذیل هستند :

۱- قرآن منزل از طریق وحی و آیات و قوانین مافوق بشری خودش وجود الله را اثبات میکند ، و مطالعه و فهم قرآن محفوظ راه رسیدن بدین واقعیت است ، و همین است که قرآن معجزه نبوت محمد « ص » تلقی میشود .

۲- قرآن منیر از طریق دعوت بشر به تعقل در خلقت (افاق و انفس) و سیر و تحقیق در زمین و استخراج علوم مختلفه از آن وجهت درک قوانین حاکم بر هستی و رسیدن به وحی تکوینی ، بشریت را به خدا شناسی و ثبوت وجود الله می رساند و او را در رابطه با وجود و حاکمیت الله مطمئن می سازد .

۳- قرآن حکیم انسانها و مشتاقان رسیدن به حقانیت الله ، و نیز قوانین ثابت و ابدی اش را که مَبین علم واقعی و فوق زمانی و مکانی الله هستند ، به مطالعه و درک تاریخ و تحولات جوامع بشری فرامیخواند ، تا وجود الله بر جویندگانش مُسَلَّم شود و راه هدایت و زندگی توحیدی بر بشریت هموار گردد .

۴- قرآن مبین از طریق مثالهای بسیار ، امور غیر مادی را ، جهت تفهیم ، برای بشریت مجسم می سازد ، و راه مطمئن سازی و تسلیم عقل و عمل انسانها را در سایه خواست و انتخاب خودشان هموار میکند .

همه این طُرُق ، که عنوان وار ذکر گردیدند، اصول خداشناسی قرآن را که پایه و اساس خداشناسی توحیدی را تشکیل میدهند ، ارائه می نمایند . بدین صورت معلوم میشود که میدان خداشناسی قرآن اصلا وسیعتر از طول عمر انسان است . و همین است که هر جوینده ای تنها به درجه ای از خداشناسی و توحید میرسد . اما علیرغم همه اینها باید دانست که اهل کفر و فسق و فساد ، با توجه به اینکه « نمی خواهند » و « اهل هدایت نیستند » نه تنها بوسیله قرآن قانع و هدایت نمیشوند ، بلکه بوسیله آن حتی گمراهتر میگردند : **یضل به کثیرا و یهدی به کثیرا و ما یضل به الا الفاسقین (بقره : ۲۶)** : « بوسیله مثالهای قرآن ، بسیاری گمراه و بسیاری نیز هدایت میشوند ، اما تنها کسانی که فاسق و منحرف هستند بوسیله مثالهای قرآن گمراه میشوند » . بگذریم از این اصل که : وقتی که کسانی بوسیله قرآن هدایت نشوند ، قطعاً بوسیله **غیر از قرآن** راضی و هدایت نخواهند شد و راه اسلام و توحید را در پیش نخواهند گرفت ، چون : هر راهی که کارش منتهی به الله و توحید و اسلام شده از قرآن حکیم عبور کرده است ، و من بعد هم هر راه و فکری که بخواهد منتهی به الله و توحید و اسلام بشود ، ناگزیر باید از قرآن عبور کند و پایه و مایه اش را از قرآن اخذ و دریافت نماید .

سازمان موحدین آزادیخواه ایران

۱۷ ذو القعدة ۱۴۲۴ - ۲۰ دی ۱۳۸۲